

عوامل موثر در گرایش دینی دانشجویان دختر

(مورد مطالعه: دانشجویان دختر ۲۹-۲۰ سال شاغل به تحصیل مقطع کارشناسی، دانشکده

روانشناسی و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی سال تحصیلی ۱۳۹۰)

دکتر ساسان ودیعه^۱

بهاره کنگرلو حقیقی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۶

چکیده

مقاله حاضر با هدف بررسی عوامل موثر در گرایش دینی دانشجویان دختر ۲۹-۲۰ سال شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی در دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز انجام شده است و به عواملی چون عوامل فرهنگی، سیاسی، جامعه‌پذیری و تاثیر طبقه اقتصادی-اجتماعی در گرایش دینی اشاره شده است. از آنجا که پدیده دین و دینداری یک مقوله چند بعدی است، به ابعاد دینداری و میزان علاقه مندی دانشجویان دختر به هریک از ابعاد پنج‌گانه دینداری با توجه به مدل گلاک و استارک و با الهام از سنجه‌های دینداری شجاعی زند نیز اشاره شده است. چارچوب نظری و مدل تحلیلی با استفاده از نظریات نظریه پردازانی همچون ماکس وبر، هربرت مید، تالکوت پارسونز و با تاکید بر نظریه شناخت پیتر برگر ارائه شد. روش به کاررفته، پیمایشی است که با تکنیک پرسشنامه‌ای که دارای اعتبار صوری و اعتبار سازه‌ای (با آلفای کرونباخ بالای ۸۰ درصد) به گردآوری اطلاعات اقدام گردید. جامعه آماری شامل ۱۹۸۰ نفر از دانشجویان دختر رشته علوم اجتماعی سال تحصیلی ۱۳۹۰ در دانشکده علوم اجتماعی است که از بین آنها با استفاده از فرمول کوکران ۳۲۲ نفر، با روش تصادفی ساده، به عنوان نمونه انتخاب شدند. یافته‌های پژوهش نشانگر این بودند که عوامل سیاسی، فرهنگی و جامعه‌پذیری با گرایش دینی دانشجویان دختر رابطه معنی‌داری دارد؛ و بین پایگاه اقتصادی-اجتماعی و گرایش دینی جوان رابطه معکوس معنادار وجود دارد؛ و در بررسی ابعاد دینداری نیز مشخص شد که گرایش دینی دانشجویان دختر در بعد مناسکی به خصوص مناسک فردی در بالاترین حد و بعد اعتقادی، بعد عاطفی، بعد پیمادی و دانش دینی بعد از آن قرار دارند. همچنین با توجه به یافته‌ها می‌توان ادعان نمود که در جوامع کنونی، مدرنیته منافاتی با دینداری ندارد و تنها تفاوت، در تغییر نگرش جوانان به دین است. واژگان کلیدی: دین، گرایش دینی، جوانان، دینداری

۱- استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی vadiae@Gmail.com

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی bahar.haghighi@yahoo.com

۱. مقدمه

امروزه اهمیت مذهب بر هیچ کس پوشیده نیست، تأثیری که مذهب در حفظ و بقا نظام اجتماعی دارد و همچنین نقش مذهب در تقویت همبستگی بین اعضا جامعه، توجه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان را به خود جلب کرده است. در جامعه ما نیز به علت بافت مذهبی آن، مذهب از جایگاه والایی برخوردار است و جزء لاینفک زندگی مردم می‌باشد. تا زمانی که پایه‌های مذهبی در یک جامعه قوی و اعضای یک جامعه پایبند اعتقادات مذهبی خود باشند اعضای جامعه عموماً کمتر به فساد و انحراف روی می‌آورند. بنابراین اگر اعتقادات مذهبی اعضای یک جامعه رو به سستی بگذارد و کاهش یابد در آن صورت جامعه به طور جدی با خطر انهدام روبروست. بنابراین اگر مذهب در جامعه تضعیف شود، نظام اجتماعی و پیوندهای درون آن سست خواهد شد و کنترل جامعه چه در بعد فردی و خانوادگی و چه در بعد اجتماعی دشوار خواهد شد. جامعه ما یک جامعه دینی است و دین و مذهب در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی ریشه داشته و دارد، همچنین به خاطر جوانی جامعه، قشر جوان و دانشجو اهمیت بسزایی دارد.

دانشجویان گردانندگان فردای جامعه ما هستند؛ مطالعه در روحيات و نگرش‌های آنها در عرصه‌های مختلف، خصوصاً به لحاظ دینداری و جهت‌گیری دینی، می‌تواند دورنمایی از وضعیت آتی جامعه، خصوصاً نگرش مدیران، کارشناسان و گردانندگان فردای جامعه ایران را ترسیم کند، هم چنین تفکرات و نگرش‌های این گروه از جوانان، نمایانگر میزان موفقیت و اثرگذاری نهادهای دینی جامعه است. در واقعیت با بیش از دو شق دینداری و بی‌دینی و با گونه‌های مختلف دینداری و تغییرات درونی و بیرونی آن مواجهیم، بنابراین ضروری است تا ضمن بررسی عوامل موثر در گرایش دینی جوانان، به بررسی انواع دینداری و ابعاد مختلف این پدیده نیز پرداخته شود. در خصوص سنجش معیارهای دینداری باید اذعان داشت که اعتقادات و اعمال دینی افراد (در ابعاد انسان‌شناختی، عرفانی، اخلاقی، فلسفی و...) حالت خودی، خصوصی و درونی داشته و با استفاده از ابزارهای اندازه‌گیری به طور کامل قابل سنجش نمی‌باشد. مقوله دینداری، پدیده‌ای چند بعدی است و صرفاً نمی‌توان با تکیه بر یک بعد، به شناخت و تبیین این پدیده پرداخت و باید ضمن بررسی تمام و یا چندین بعد از دینداری به تفاوت دینداری و مولفه‌های دینداری در دنیای مدرن و سنتی نیز توجه شود.

جریان مدرنیته در قرن ۲۰ تمامی نهادهای دینی را دچار انفعال کرده بود. بنابراین نهادها و متفکران دینی سعی داشتند آموزه‌های مذهبی شان را با اندیشه‌های همبسته با جهان مدرن سازگار سازند اما بر خلاف پیش‌بینی‌های صورت گرفته در غرب، روند عرفی شدن و گسترش مدرنیته نتوانست دین را از عرصه اجتماع حذف کند. ولی به علتهای متعددی، دینداری متنوع شد و اشکال مختلف پیدا کرد. همین مساله باعث شد که جامعه‌شناسان دین به بررسی میزان و انواع دینداری بپردازند و عوامل تغییر و روند آن را مطالعه کنند و به یکی از سوالات مطرح در خصوص دین و مقوله دینداری یعنی بررسی تعارض بین مدرنیته و دینداری بپردازند. لذا ما به دنبال آن هستیم که بدانیم در این اوضاع و احوال پیچیده کنونی در جهان و تغییر و تحولات ناشی از آن، پدیده مذهب و دین در ذهن و فکر و عمل این گروه عمده و مهم جامعه چه وضعیتی یافته است؟ همچنین میزان وضع گرایش دینی آنها چگونه می‌باشد؟ و این که، علی‌رغم وجود این همه نوآوری و تغییرات هنوز دین در بین افراد جامعه، به خصوص قشر جوان و دانشجو، زنده مانده و در جوش و خروش است بر این اساس هدف کلیدی این مقاله تعیین عوامل موثر در گرایش دینی جوانان و انواع دینداری در بین قشر جوان می‌باشد؛ و اهداف جزئی آن شامل موارد ذیل می‌باشد:

- ۱- شناسایی رابطه عوامل جامعه‌پذیری و میزان گرایش دینی جوانان
- ۲- تعیین تأثیر رابطه طبقه اجتماعی - اقتصادی و گرایش دینی جوانان
- ۳- شناسایی رابطه عوامل فرهنگی و میزان گرایش دینی جوانان

۴- شناخت رابطه عوامل سیاسی و میزان گرایش دینی جوانان

۵- شناسایی رابطه دینداری و انواع دینداری جوانان

"تعاریف جامعه شناسی از دین بسیار متنوع و ناسازگارند. به همین دلیل ماکس وبر یکی از مشهورترین جامعه شناسان دین از ارائه تعریف در آغاز رساله اش خودداری کرده و آن را به پایان کار محول نموده است. در نهایت، و بر در بررسی هایش به جایی نرسید که تعریف روشنی از دین ارائه نماید" (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۰).

"متکلمان رویکرد درونی به دین دارند و آن را به عنوان واقعیت محقق و خارجی در نظر نمی گیرند بلکه به دین حق توجه دارند و لذا تعریف کلامی از دین اصولاً یک مصداق بیشتر ندارد. علامه طباطبایی در تعریف دین می نویسد: «دین، دستورهای عملی و اخلاقی است که پیامبران از طرف خداوند برای راهنمایی و هدایت بشر آورده اند» (طباطبایی، ۱۳۵۶: ۱۷ و ۹).

شاید نتوان تعریف دقیق و جامع و مانعی از دین ارائه داد زیرا معمولاً جامعه شناسان، دین را به مثابه پدیده ای تاریخی و اجتماعی، «مجموعه ای از باورها، آرمانها، سنن و شعائری» می دانند که ریشه در متافیزیک و عالم قدسی دارد. در این تلقی، معنی و مفهوم دیانت چنان گسترده است که اسطوره ها، افسانه ها، خرافه ها، جادو، و حتی ادیان شرک و ابتدایی را هم شامل می شود. از نظر دینداران که صرفاً از منظر ارزشی و درونی به دین می نگرند: «دین عبارت است از مجموعه ای از ایمان و عقاید حق و تکالیف جمعی و فردی و ارزشهای اخلاقی که بر بنیاد پیش فرضی به نام «خدا» پدید آمده اند» و دینداران کسانی هستند که به این مجموعه معتقد هستند. در نظر دین باوران، دین امری است حق و درست و مفید که ریشه در آسمان دارد و هدف غایی آن رستگاری آدمی در این جهان و یا در جهان آخرت است. از نظر ما به عنوان مسلمان و با الهام از قرآن و دیگر منابع اسلامی، «دین عبارت است از مجموعه ای از ایمان قلبی، عقاید نظری و احکام عملی حول محور توحید و یکتاپرستی که از سوی خداوند از طریق وحی بر پیامبر، به آدمیان عرضه شده است و هدف غایی آن فلاح و رستگاری انسانی و اخلاقی آدمیان در دنیا و آخرت است (یوسفی اشکوری، ۱۳۷۳: ۲۵-۲۴).

دین مجموعه اصول، عقاید و رفتارهایی است که برای هدایت و رستگاری مومنان مفروض است لیکن، دینداری به رفتار مومنان و پذیرش اصول و عقاید توسط آنان مربوط است. بنابراین دین مستقل از رفتار و روان انسانها به عنوان پدیده ای خارجی نسبت به جامعه انسانی در نظر گرفته می شود، در صورتی که دینداری یا تدین به پذیرش دین متعلق آن است. دینداری یا تدین حالت انسان است که دین، متعلق به آن به شمار می رود. در واقع اطلاق لفظ دینداری هنگامی صورت می گیرد که مردم یا گروهی از افراد، تمام یا بخشی از تعالیم و دستورات دینی را پذیرفته باشند؛ بنابراین می توان گفت که دینداری یا تدین عبارت است از التزام فرد به دین مورد قبول خویش. این التزام در مجموعه ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی که حول خداوند (امر قدسی) و رابطه ایمانی با او دور می زند، سامان می پذیرد (حبیب زاده خطبه سرا، ۱۳۸۴: ۴۹).

والتر^۱ و دیوید^۲ در مقاله ای با عنوان مذهبی بودن زنان در غرب جدید به دنبال علل مذهبی تر بودن زنان گشته اند، آنان اظهار کرده اند که زنان در تمام شاخص ها دارای نمرات مذهبی بالاتری نسبت به مردان بوده اند. این مساله نه تنها در شاخص هایی از قبیل رفتن به کلیسا و عبادات شخصی است بلکه در محتوای مذهبی بودن نیز مشخص است. حتی مشارکت رسمی مذهبی هم در میان زنان بیشتر است. که این مذهبی بودن زنان را با تئوری های مختلفی تبیین کرده اند. از جمله، تئوری آسیب پذیری اجتماعی زنان که بر پایه نظریات مارکس قرار دارد و اشاره می کند که دین برای زنان یک

1. Walter

2. Davied

جبران‌کننده محرومیت اجتماعی و طبقه زیر دست بودن است. تئوری دوم که تئوری محرومیت اجتماعی و مادی زنان است و بر این باور است که زنان بیش از مردان به کلیسا می‌روند تا از سختی زندگی واقعی فرار کنند. دیدگاه بعدی در ارتباط با پایگاه اجتماعی زنان است، زنان همیشه دارای پایگاه اجتماعی پایین‌تری نسبت به مردان در اکثر جوامع هستند، آنها به دین به عنوان یک حمایت‌کننده رسمی اجتماعی می‌نگرند و سعی می‌کنند، محرومیت‌های پایگاه اجتماعی خود را از طریق شرکت در فعالیت‌های دینی کم کنند. همچنین، زنان بیشتر از مردان احساس گناه می‌کنند و چون یکی از کارکردهای دین کاهش احساس گناه است، زنان بیش از مردان احساس نیاز به دین دارند (Walter & Davied, 1998: 650-658).

ورود به دانشگاه و تغییر نگرش دینی، عنوان پژوهشی است که ریچارد بی. فانک^۱ در سال ۱۹۸۷ منتشر کرده است. در این پژوهش به بررسی رابطه بین ورود به دانشگاه و تغییرات گرایشی در دو حوزه خاص با نقش‌های جنسیتی- سنتی و اعتقادات مذهبی پرداخته است و نتایج کلی تحقیق نشان داده افرادی که وارد دانشگاه می‌شوند در حوزه‌هایی چون گرایش به مذهب و نقش‌های جنسیتی- سنتی تفاوت معنا داری با هم‌متایان غیر دانشگاهی خود پیدا کرده‌اند. محقق در این تحقیق بعد اعتقادات مذهبی را سنجیده است. البته فقط بعد اعتقاد به خدا مورد سنجش قرار گرفته است (Funk 1987: 8).

تغییرات در اعتقادات مذهبی عنوان پژوهشی است که ج. دبلیو. پیلکیگتون^۲ در سال ۱۹۷۶ انجام داده است. این بررسی در واقع مطالعه‌ای مقایسه‌ای درباره تغییرات در اعتقادات و اعمال مذهبی در دوره‌ای یازده ساله بین سالهای ۱۹۶۱-۱۹۷۲ بوده است. نتایج نشان داد که در سال ۱۹۶۱ نزدیک به سه چهارم دانشجویان دارای شکلی از اعتقادات مذهبی بوده‌اند، ولی این نسبت تا سال ۱۹۷۲ درست به نصف تقلیل یافته است. نتایج بیانگر حرکت جمعی و معناداری در جهت فاصله گرفتن دانشجویان از مذهب بوده است. با توجه به سوالات و گویه‌های مطرح، محقق تلاش کرده است تا فقط بعد اعتقادی و مناسکی را مورد سنجش قرار دهد و از بررسی سایر ابعاد دینداری صرف نظر کرده است (Pilkigton 1976: 11).

طی دو دهه پنجاه و شصت برای فهم و تبیین دین در آمریکا، گلاک^۳، بحث ابعاد دینداری را مطرح کرد. وی این بحث را در سال ۱۹۶۲ گسترش داده و با همکاری استارک در سال ۱۹۶۵ به شرح و بسط آن پرداخت (Roof 1965: 21). هدف اصلی آنها از طرح این مباحث عمدتاً درک شیوه‌های مختلفی بود که مردم با توسل به آن خود را مذهبی تلقی می‌کردند. به نظر گلاک و استارک، همه ادیان جهانی به رغم تفاوت در جزییات دارای ابعاد کلی هستند که دینداری در آن جلوه‌گر می‌شود. ایشان مدل چندبعدی دینداری ارائه کرده‌اند و مدعی‌اند که دینداری‌شان به رغم زمینه و صبغه مسیحی و غربی قابلیت به کارگیری و تعمیم به هریک از ادیان جهانی را دارد (Glok & Stark 1965: 14). گلاک و استارک دینداری را به چهار بعد اعتقاد مذهبی، اعمال مذهبی، تجربه دینی و دانش دینی تقسیم می‌کنند که البته با تقسیم بعد اعمال به دو مقوله مناسک و پرستش عملاً ابعاد دینداری به پنج بعد تبدیل می‌شود (Glok & Stark 1970: 14-16). لازم به یادآوری است که گلاک و استارک^۴ در کار اولیه‌شان پیامد دینداری را جز ابعاد دینداری معرفی کرده بودند که در پی انتقادات صورت گرفته آن را از هم‌ترازی با سایر ابعاد خارج کردند (Glok & Stark 1970: 16).

در این مقاله ترکیبی از نظریات امیل دورکیم، ماکس وبر، هربرت مید، تالکوت پارسونز و برگر و لاکمن، مدل سنجش دینداری گلاک و استارک و شجاعی زنده مورد استفاده قرار می‌گیرد.

1. Funk
2. Pilkigton
3. Glak
4. Stark

"دورکیم نظریه پردازی است که بیشترین تاثیر را بر جامعه شناسی دین داشته است" (دورکیم، ۱۳۸۳: ۲۰۱). وی برای شناخت همه ادیان بشری به ابتدایی ترین و ساده ترین صورت دین توجه می کند" (همیلتون ۱۳۷۷: ۱۷۱). او که توتمیسم را به عنوان نخستین صورت دینی در جوامع ابتدایی قلمداد می کند معتقد بود که توتم، نمادی از خود کلان و ارزشها و سنتهای نهادینه شده است که برای حفظ و حراست از جامعه و تضمین ماندگاری و بقای آن باید مورد احترام و پرستش اعضا و آحاد آن قرار گیرد (شجاعی زند، ۱۳۸۱: ۹۶). "از نظر دورکیم سرچشمه دین خود جامعه است این جامعه است که بعضی چیزها را شرعی و برخی دیگر را کفر آمیز می شناسد. از نظر دورکیم جامعه و دین از یک گوهرند، دین همان شیوه ای است که جامعه از طریق آن خودش را به صورت یک واقعیت اجتماعی غیر مادی متجلی می سازد" (ریتزر ۱۳۷۹: ۲۳). از نظر دورکیم "دین تنها یک سیستم عقاید نیست بلکه قبل از هر چیز سیستمی از نیروهاست. انسانی که زندگی مذهبی دارد، فقط انسانی نیست که دنیا در ذهنش به این شکل یا آن شکل تصویر می شود و از آنچه دیگران از آن بی خبرند، اطلاع دارد، بلکه قبل از هر چیز، کسی است که در خود قدرتی را احساس می کند که به طور معمول فاقد آن است و وقتی که در حالت مذهبی نیست، احساسش نمی کند" (دورکیم، ۱۳۸۳: ۲۰۳).

دورکیم دین را شامل عقاید و مناسک و احساس می داند. از نظر او عقاید از تصورات تشکیل می شوند و مناسک نیز وجوه معینی از اعمال مشخص است. سرشت خاص موضوع مناسک دینی در اعتقاد است پس مناسک دینی را نمی توان قبل از تعریف اعتقاد تعریف کرد (دورکیم، ۱۳۸۳: ۴۸). در کتاب «صورت ابتدایی زندگی مذهبی» دورکیم با مطالعه در توتمیسم و ادیان ابتدایی، خصوصا در بومیان اولیه استرالیا که کهن ترین جامعه بشری به شمار می رود، به این نتیجه می رسد که دین در گذشته یک تجربه اجتماعی و در واقع شیرازه جامعه بود. اعتقادات دینی یک قوم، روح جمعی آنها و وجدان اجتماعی شان را شکل می داد. مناسک دینی، ناظر بر نیازهای اجتماعی ریشه دار انسان بود و دین واقعیتی اجتماعی داشت. وقتی شخص به دین عمل می کرد در واقع حس همبستگی و اتکا به گروه و خلاصه، حس بودن در جامعه را برمی تافت. اصلا جامعه منشا دینی داشت و دین آن را ایجاد می نمود (هیوز، ۱۳۶۹: ۱۵). "دیانت یک نوع سلوکی اجتماعی بود. اعتقاد به چیزهای مقدس در برابر غیر مقدس نهادهایی را به وجود می آورد و از لحاظ اخلاقی جامعه را متحد می ساخت" (هیس، ۱۳۴۰: ۴۶۹).

"دین زبان مشترک اخلاقی جامعه و امری اجتماعی بود که در تثبیت اوضاع نقش مهمی داشت." (خدایار محبی، ۱۳۴۲: ۱۲). وبر از جمله جامعه شناسان کلاسیک است که بخش قابل توجهی از آثارش به دین اختصاص دارد. ماکس وبر اولین صاحب نظری است که به جامعه شناسی دین به صورت یک علم منظم نگاه کرد. وی دین را به عنوان یک پدیدار اجتماعی و فاکتور قابل ملاحظه تلقی کرد که در محاسبات پیشینیان کمتر از اندازه به حساب گرفته شده است. او بحث و گفتگو از نقش و کارکرد جامعه شناختی آن را در روزگار خود و عصر حاضر به میان کشید. به نظر او، اعتقادات دینی می توانند در عینیت مناسبات و تحولات اجتماعی تاثیر بگذارند" (خراطیان، ۱۳۸۳: ۲۱). "وبر از دو نوع دین شریعتی و رستگاری یاد میکند و یا از دو نوع خداشناسی زاهدانه و عارفانه سخن می گوید. او مصداق دین شریعتی را کنفوسیوس و یهودیت می داند که مومنان در خدمت شرع مقدس اند و همراه با اهتمامات مناسکی در صدد سازگاری با دنیا هستند، ولی در دین رستگاری مومنان اهتمامشان تماما مصروف آخرت و تاملات درونی می باشد. مصداق نزدیک دین رستگاری بودیسم و مسیحیت است که پیروان خویش را در تنش دائمی با دنیا قرار داده اند" (فرونند، ۱۳۶۲: ۱۹۱).

وبر در دین رستگاری طلب مسیحی دو نوع خداشناسی زاهدانه و عارفانه معرفی کرده است که به دو نوع دینداری متمایز منجر می شود، بدین معنی که مومن در یکی خود را ابزار خدای قاهر و سخت گیر جدای از خود می داند که طالب اطاعت و تعبد محض است و در دیگری خود را ظرف خدایی می شناسد که می تواند با صمیمیت از او پر شود و با اتحاد به او

برسد. وبر گونه‌شناسی دیگری از دینداری ارائه می‌کند که ملاک آن خصوصیات روانی در دینداری است. او بر اساس قابلیت‌های دین‌ورزی که در افراد متفاوت است سه نوع دینداری خواص، عوام و دینداری رسمی را از هم تفکیک می‌کند (وبر، ۱۳۸۲: ۳۲۶). اما گونه‌شناسی سوم او از دینداری، مربوط به اثر شرایط و موقعیتهای اجتماعی است؛ بدین معنا که معتقد است هر یک از اقشار و گروه‌های اجتماعی، بر حسب پایگاه اجتماعی و اقتضائات موقعیتی‌شان، از دینداری متفاوت از اقشار دیگر تبعیت می‌کنند. به عنوان مثال در حالیکه دینداری روشنفکرانه، عرفانی و تامل‌جویانه است، دینداری روحانیون، مناسکی و دینداری سیاستمداران غیر رستگاری طلب و فایده‌جویانه است. دینداری جنگاوران تقدیر‌گرایانه است و دینداری دهقانان به دلیل ساده‌دلی و بی‌اطمینانی از ساز و کار طبیعت به سمت جادو تمایل دارد، در مقابل، پیشه‌وران، صنعتگران و طبقات متوسط شهری هستند که از مستحکم‌ترین پایبندی دینی برخوردارند و دینداریشان بر اخلاق و عقلانیت عملی مبتنی است و بعضاً اهل ریاضت‌فعلانه و زهد دنیوی هستند (وبر، ۱۳۸۲: ۳۱۹).

به نظر وبر، فرد موجودی اجتماعی و آفریننده ارزش‌ها و نظام اجتماعی است. وظیفه جامعه‌شناسی عبارت از درک ساختار این ارزش‌ها و نظام‌های اجتماعی، یعنی درک کنش اجتماعی می‌باشد. وی مفهوم فرد‌گرایی خود را با استفاده از مفهوم کنش و انتخاب عقلانی توضیح می‌دهد. به نظر او کنش عقلانی، هدفمند، معطوف به مجموعه‌ای از اهداف است که ابزار و نتایج ثانوی آن، همگی به شکل عقلانی در نظر گرفته و سنجیده می‌شود. از دید وبر در جامعه مدرن نه ساخت‌های کلان اجتماعی و اقتصادی و نه روایت‌های فردی، بلکه عقلانیت، تعیین‌کننده وضعیت عمل فردی است. وبر عقلانی‌کردن در جامعه مدرن را در اتکای فزاینده بر محاسبه، کارایی حل مسئله و رفتار معطوف به هدف می‌داند و معتقد است که در شرایط مدرن عقلانیت برای رسیدن به هدف جایگزین سنت می‌شود. از نظر وبر عقلانیت جامعه مدرن در حوزه دین با حذف جنبه‌های جادویی دین و رفع تناقضات و ابهام‌هایی در راه حل‌های رستگاری معنا پیدا می‌کند (وبر، ۱۳۸۲: ۱۰۳).

نظریه دیگری که می‌توان در این مقاله از آن استفاده کرد نظریه کنش متقابل و استفاده از نظریه هربرت مید است. مید معتقد است انسان در فرایند اجتماعی شدن تحت تاثیر عوامل مختلف مانند هنجارها، ارزشها، اخلاقیات، آرمانها و... قرار می‌گیرد و آنها را در خود درونی می‌کند. به نظر مید انگیزه دینی موجب نوعی گرایش و توانایی انسان می‌شود که او را به سوی گسترش حوزه ارتباطات خود با مردم می‌کشاند و همین امر موجب می‌شود که آیینهای دینی گسترش یابند. این روند به کلیت و عمومیت یافتن امر دینی منجر می‌گردد. بنابراین جامعه‌پذیری مذهبی به عنوان قسمتی از فرایند کلی اجتماعی شدن فرد می‌باشد که در ارتباط با پایبندی به نظام ارزشی دینی تلقی می‌شود. درخصوص سنجش تاثیر متغیرهایی چون، وسایل جمعی، دانشگاه، خانواده، دوستان، دولت و... از این نظریه می‌توان استفاده نمود. «خود» و «ذهن» فرآورده مشارکت در زندگی گروهی و در فرآیند کنش متقابل طفل با دیگر موجودات انسانی پدیدار می‌شوند (زیتلین، ۱۳۷۳: ۱۷۵). "مید، جامعه‌پذیری را فرآیند شکل‌گیری خود و ذهن در آدمی می‌داند. وی اظهار می‌دارد که یکی از نتایج حیاتی جامعه‌پذیری، توانایی پیش‌بینی انتظارات دیگران از ما و شکل‌دادن رفتار بر طبق آنها می‌باشد" (رابرتسون، ۱۳۷۰: ۱۲۱).

از نظر پارسونز، جامعه نوع خاصی از تجمع انسانی است. پارسونز، اجتماعی شدن (جامعه‌پذیری) را فرآیندی می‌داند که طی آن الگوهای فرهنگی، یعنی ارزش‌ها، اعتقادات، زبان و نمادها در نظام شخصیت درونی می‌شوند. از نظر پارسونز، فرآیند جامعه‌پذیری، یکی از مهم‌ترین فرآیندهایی است که می‌توان در جامعه در نظر گرفت. جامعه برای ایجاد نظم، نیاز به اجتماعی کردن اعضای جدید دارد. وی فرآیند جامعه‌پذیری را ناشی از یک ارتباط همه‌جانبه میان نظام‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌داند و معتقد است جامعه‌پذیری، عمدتاً در خانواده، نظام آموزشی جامعه، وسایل ارتباط جمعی، فعالیت‌های تربیتی در سندیکاها و احزاب سیاسی انجام می‌گیرد (روشه، ۱۳۷۶: ۱۰۴).

یکی از مفاهیم اساسی دیگر که در این مقاله مورد نظر است، تفاوت در گرایش افراد و تغییر در دیدگاه و نگاه افراد به زندگی است. امروزه ما شاهد تغییراتی نسبت به گذشته هستیم که گذر از جامعه سنتی به جامعه مدرن را به ما نشان می دهد. مفاهیمی چون، بها دادن به تمایلات شخصی، اولویت نگرش های فرد بر هنجارهای جمع، خود انکایی، بازاندیشی ارزش ها، مولفه های فرد گرایی و توجه به فرد به عنوان مفهومی مدرن در مقابل جمع گرایی جامعه سنتی قرار می گیرد. برای بیان این مولفه ها از نظریه شناخت برگر استفاده شد. در جمع گرایی بر یکپارچگی و اطاعت از گروه تاکید شده و رفتار هر کس انعکاسی از هنجارهای مطلوب جامعه دانسته می شود. فرد جمع گرا، با گروه، اهداف مشترک داشته، لذا مشابه دیگر افراد رفتار کرده و دستورات اجتماعی را به عنوان هنجارها پذیرفته و غیر قابل تردید تلقی می کند و در همین راستا دین داری سنتی را بدون چون و چرا می پذیرد. اما در نظر بسیاری از صاحب نظران یکی از جنبه های مهم جامعه مدرن غلبه فرد گرایی بر جمع گرایی است که تغییراتی را هم در حوزه آگاهی و هم در حوزه کنش افراد به وجود می آورد. دورکیم بیان می کند که با افزایش تراکم جمعیت و تقسیم کار، فردگرایی افزایش یافته و در جامعه فرد گرا، فرد مدرن توانایی های خاصی پیدا می کند، از جمله این که اجازه می یابد عقلانی تر عمل کرده و بسیاری از سنت های بسته بندی و یقینی قبلی را مورد تردید قرار دهد. توانایی دیگر، بازاندیشی در خصوص خویش و عرصه های مختلف زندگی خود، گزینش از بین تعدادی از بدیل ها و انتخاب جایگزین های مختلف و دسترسی به منابع متنوع و پراکنده است؛ به این ترتیب همراه با فرد گرایی و عقلانیت ملازم با آن، بسیاری از ارزش های جامعه نیز از شکل یقینی خود خارج می شود و مورد باز اندیشی قرار می گیرد. در چنین شرایطی ارزش ها در نبود تایید دائمی اجتماعی و بازاندیشی مداوم خصلت قطعی و بدیهی خود را از دست داده و از نگرش متنوع افراد تاثیر می پذیرد. لذا به نظر می رسد در جامعه کنونی بسیاری از تغییرات در دین داری (باز اندیشی، گزینش گری و...) با مفهوم فرد گرایی در ارتباط می باشد. ذهنیت ناشی از فرد گرایی با شاخص هایی همچون نسبی شدن، عدم قطعیت و بازاندیشی و... اساسا آگاهی افراد را دگرگون کرده است. این خصوصیت، انسان مدرن را در شرایط دو گانه قرار می دهد که از یک سو با قائل شدن حقوق فردی به او آزادی اعطا می کند ولی از سوی دیگر با از بین بردن آرامش موجود، فرد را با اضطراب و عدم امنیت مواجه می کند و حاصل آن، روی آوردن به اشکال جدید و عقلانی دینی است. علاوه بر این همان طور که هویت فرد در جامعه مدرن در معرض دگرگونی قرار می گیرد، رابطه فرد با دین نیز دستخوش تغییراتی می شود. به عبارت دیگر همراه با فرد گرایی دین، به موضوعی انتخابی و بازاندیشیده شده تبدیل می شود (نیک پی، ۱۳۸۰: ۵۵-۵۶).

برگر معتقد است فرد گرایی به معنای امکان انتخاب فردی از میان واقعیت ها و هویت های مختلف است. فرد گرایی امکان مهاجرت از بین تعداد زیادی از جهان های قابل دسترس را فراهم ساخته و به فرد اجازه می دهد به طور آگاهانه از میان هویت های قابل دسترس و موجود هویتی انتخابی را برگزینند. از نظر او هویت مدرن اندیشیده و فردیت یافته است. زیرا که از حق آزادانه برنامه ریزی زندگی شخصی و شکل بخشیدن به آن بر خوردار است. برگر به تفضیل رابطه تکثر زیست جهان اجتماعی، خصوصی شدن دین، فرد گرایی و دین داری را بررسی می کند. به نظر او چند گانه شدن زیست جهان های اجتماعی علاوه بر تاثیر بر هویت، تاثیر عمده ای را نیز در حوزه دین بر جا می گذارد. در نظر برگر، دین عملی انسانی است که عالمی مقدس را برای بشر بنا نهاده است و در بخش بزرگی از این تاریخ در ایجاد چتری فراگیر از نمادها، برای یکپارچگی جامعه، نقش اساسی بر عهده داشته است. معانی، ارزش ها و باورهای گوناگون رایج در جامعه نهایتا از طریق تفسیری جامع درباره واقعیت که زندگی انسان را به کل نظام عالم ربط می داد، یک پارچه می شدند. در واقع دین به عنوان ساختاری شناختی و هنجاری پدیدار می گشت که احساس بودن در کاشانه، یعنی در جهان هستی را برای انسان ممکن می ساخت. با چند گانه شدن زیست جهان های اجتماعی، بی یقینی عمومی، خواه شناختی و خواه هنجاری که حاصل

چند گانه شدن زندگی فرد است، پدید می‌آید (برگر، ۱۳۸۱: ۸۸-۷۳). "این وظیفه دین، مورد تهدید قرار می‌گیرد. تا وقتی نمادهای دینی عملاً در بر گیرنده تمامی بخش‌های با معنای تجربه زندگی اجتماعی فرد بودند، تمام افراد نمادهای یکسانی را تصدیق می‌کردند و با این کار خود بر اعتبار این نهادها صحنه می‌گذاشتند. به موازات رشد تدریجی چندگانگی، فرد با دیگرانی مواجه می‌شود که به باورهای غیر او اعتقاد دارند و پیامد این تحول از لحاظ نهادی، خصوصی شدن دین است" (برگر، ۱۳۷۵: ۱۰۵).

به نظر برگر، اساسی‌ترین ویژگی‌های نهادهای خصوصی این است که در آن فرد به نوعی از آزادی عمل در قلمرو زندگی خویش و ساختن جهان زندگی برخوردار می‌شود. در این صورت تعاریف دینی در نبود تأیید دائمی اجتماعی و عمومی خصلت قطعی خود را از دست می‌دهند و در عوض به موضوع‌هایی انتخابی بدل می‌شوند. همان‌گونه که فرد در جامعه مدرن در معرض دگرگونی دائم قرار می‌گیرد، رابطه اش با دین نیز دستخوش تغییر می‌شود؛ به عبارت دیگر باور دینی حکم تجربه جمعی را از دست داده و صورتی فردی به خود می‌گیرد. بدین ترتیب فرد گرایی با مفاهیمی مانند خصوصی شدن، گزینش‌گری و ترکیب کردن عناصر ارتباط می‌یابد و این امر به حوزه دین و دین‌داری نیز سرایت پیدا می‌کند و هویت دینی را دست‌خوش تحولاتی قابل‌اعتنا می‌کند. از این رو می‌توان علاوه بر ارتباط فرد گرایی و دین‌داری رابطه فرد را با انواع و ابعاد دین‌داری نیز مورد بررسی قرار داد و در صدد شناخت این رابطه بر آمد. از ابتدای دهه ۱۹۶۰ اندیشه ماهیت چند بعدی دین مطرح شد. مشهورترین الگوی چند بعدی از دین‌داری از سوی گلاک و استارک مطرح شده است. هدف اصلی آن از طرح این مباحث درک شیوه‌های مختلفی بود که مردم با توسل به آن خود را مذهبی تلقی می‌کردند. از نظر آنان حوزه‌های کلی دین‌داری که به عنوان ابعاد اصلی دین‌داری در نظر گرفته می‌شود پنج حوزه اساسی را شامل می‌شود. "به نظر گلاک و استارک همه ادیان جهانی به رغم آنکه در جزئیات بسیار متفاوتند، دارای حوزه‌هایی کلی هستند که دین‌داری در آن حوزه‌ها، جلوه‌گر می‌شود. این حوزه‌ها که می‌توان آنها را به مثابه ابعاد اصلی دین‌داری در نظر گرفت، عبارتند از: اعتقادی، مناسکی، تجربی، فکری و پیامدی" (به نقل از سراج زاده ۱۳۸۳: ۲۱).

شجاعی زند با این استدلال که مدل‌های غربی موجود برای دین‌داری، عموماً تفاوت‌های میان ادیان آن‌ها را در جوامع مختلف نادیده انگاشته و بر حسب دین مسیحیت طراحی و تدوین شده‌اند، در پی آن بر آمده تا بر مبنای اصول دین اسلام، شرایط اجتماعی ایران و در نظر گرفتن اصول لازم برای یک مدل جامع سنجش دین‌داری، ابعاد مختلف دین را از دیدگاه جامعه‌شناختی متمایز و تبیین کند. به اعتقاد وی، دین‌داری دارای ابعاد و اجزایی بر آمده از وجوه مختلف دین است که به نوبه خود در تناسب با ابعاد وجودی انسان است، لذا او تلاش دارد تا مدل پیشنهادی اش از یک سو بیانگر نسبت‌های منطقی میان این مقولات باشد و از سوی دیگر علاوه بر ابعاد، تجلیات دین‌داری مانند آثار و پیامدهای عمیق آن را که در سنجش به کار می‌آیند، نمایان سازد. به نظر شجاعی زند، از آنجا که دین برای انسان است، نمی‌تواند ناظر به جنبه‌ها و ابعادی فراتر از ابعاد وجود انسان باشد. وی برای آن که ابعاد دین و دین‌داری را به ابعاد وجودی انسان مرتبط کرده و مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران بسازد، به آرای اجتماعی فلاسفه و متکلمان مسلمان در این باره متوسل می‌شود. زیرا به نظر او اختلاف نظر در چیستی دین‌داری یک دعوی کلامی است که تنها با مراجعه به متن مقدس یک آیین یا بررسی تجربه و تعالیم نخستین آن قابل رفع است؛ بر این اساس، با تلقی دین‌داری به عنوان تأثیر و تجلی کم یا زیاد دین در ذهن، روان و رفتار فرد و پیگیری آن از طریق ابعاد تفصیل یافته اش، یعنی عقیده، ایمان، عبادت، اخلاق و شریعت، پنج بعد را برای دین‌داری در نظر می‌گیرد که شامل معتقد بودن، مومن بودن، اهل عبادت بودن، اخلاقی عمل کردن و متشرع بودن است.

وی بعد معتقد بودن (اعتقادات) را از مومن بودن (ایمانیات) متمایز می کند. به نظر وی عقیده، محتوای نظری یک آیین است که ناظر به موضوعات بنیادین هستی شناختی و مسائل غایی حیات است. اما ایمان، شدت تعلق و عمق دلبستگی و میزان اعتماد و اتکای به آن محتوا را می رساند؛ در واقع، عقیده از بعد ذهنی وجود انسان و ایمان از بعد روانی- عاطفی آن ناشی شده است. به همین شکل، نخستین مفهوم به وجه معرفتی و دومی به وجه عاطفی توجه دارد. همچنین معتقد است که بعد ایمانیات از طریق ابزارهای کمی مانند پرسشنامه قابل سنجش نیست؛ و بر اساس تعریف عملیاتی این سنجش شامل ابعاد اعتقادات، عبادیات، اخلاقیات و شرعیات است.

یکی از مباحث مهمی که در رابطه با پدیده دین و دینداری مطرح است تحولات دینی در جوامع کنونی است. تحلیل ها بیانگر آن است که در جوامع در حال گذر، دینداری یکی از متغیرهای اجتماعی است که دستخوش تحولات گسترده ای است؛ و از آنجایی که دانشگاه که کارکرد تولید علم و فناوری را در جامعه برعهده دارد، یکی از حاملان مدرنیته محسوب می شود؛ بنابراین می توان دانشجویان را یکی از حاملان آگاهی مدرن در جوامع در حال توسعه در نظر گرفت که بیشترین تاثیر را از آن می پذیرند. این بدان معنی نیست که با رواج آگاهی مدرن در بین دانشجویان ضرورتا از سطح دینداری آنان کاسته می شود اما به احتمال زیاد نوع نگرش آنها به دین و گرایشان دینی آنها تغییر می کند. فهم دینی برآیندی از عوامل متعددی مانند پیش فرض ها، انتظارات، علایق، تمایلات و معلومات در دانسته های فاعل شناسا بوده و همچنین تابعی از عوامل محیطی، فرهنگی، زبانی، سیاسی و اجتماعی است که همه اینها به طور مداوم و پیوسته در معرض نقد بررسی بازنگری اصلاح و پالایش قرار می گیرد؛ بنابراین گاهی اوقات نوع خاصی از معرفت دینی است که با مدرنیته ناسازگار تلقی می شود نه با دین. معرفت دینی معرفتی بشری، قابل نفوذ، بازسازی، تحول و تکامل است؛ براین اساس می توان گفت پاره ای از چالش های موجود بین مدرنیته و دین در حقیقت چالش مدرنیته با فهم سنتی و تاریخی از دین است. همان طوری که برخی از چالش های دین یا مدرنیته در حقیقت چالش دین با فهم و قرائت خاص از مدرنیته است. در دوره مدرن نه تنها باورهای دینی به مرگ و نابودی خود نرسیده بلکه به رشد فزاینده ای هم دست یافته است با این تفاوت که نگاه به دین با نگاه سنتی و تاریخی متفاوت شده است. رابرت بلا^۱ معتقد است که «موقعیت مدرن مبین مرحله ای جدید از پیشرفت دینی در طرق مختلف است که به غایت با دین تاریخی متفاوت است» (Bellah, 1976: 39).

تعارض، زمانی نمایان می گردد که قرائت افراطی و اصلاح نشده از مدرنیته یا دین ارائه گردد. در مورد دین، فهم ها و تفسیرها و قرائت های مختلف وجود دارد. برخی فهم ها سنتی، تاریخی و افراطی هستند. و برخی فهم ها بازسازی شده و اصلاحی و معتدل و در مورد مدرنیته فهم ها و قرائت های مختلفی وجود دارد که برخی از تبیین ها از مدرنیته افراطی هستند و برخی اصلاح شده؛ مدرنیته افراطی غربی هم منتقدان جدی و با نفوذی دارد. نه تنها بین دین و مدرنیته تعارض ذاتی وجود ندارد بلکه امروزه حتی در بسیاری از کلان شهرهای مدرن دنیا هنوز دین از پویایی و رونق قابل توجهی برخوردار است و این نشان از عدم تعارض ذاتی دین و مدرنیته است.

یکی از مفاهیم اساسی که در بیان رابطه مدرنیته و دین داری مطرح است بحث سکولاریسم است. پیتر برگر در بیان رابطه بین مدرنیته و دین داری به سکولاریسم توجه کرده است. اولین نتیجه مدرنیته، افول دین و گسترش سکولاریسم است. در مرحله دوم است که بازگشت به تغییر در آرای وی مشاهده می شود و بیان می کند که مدرنیته لزوما به افول دین منجر نمی شود. برگر بیان می کند که نمی توان گفت که ما در جهانی سکولار زندگی می کنیم. جهانی که امروزه در آن زندگی می کنیم، همانند گذشته، آکنده از احساسات دینی است و در برخی از مناطق این احساسات بسی بیشتر از گذشته است و

این خود بدان معناست که در کل تحقیقات انجام گرفته در این خصوص دارای نقایص عدیده ای است. برگر یکی از دلایلی را که بیان می کند تا بگوید جهان امروزی، جهانی سکولار نیست، این است که مدرنیته بسیاری از قطعیت های قدیمی موجود در جامعه را دچار تزلزل کرده است و عدم قطعیت، وضعیتی است که تحمل آن برای بسیاری از مردم مشکل است. لذا هر حرکتی (حتی حرکت های غیر دینی) که مبشر تجدید قطعیات گذشته و یا ارائه قطعیات جدید باشد از بازار خوبی برخوردار است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۷: ۱۳۸-۱۳۷).

برگر معتقد به وجود نوعی سکولاریسم در جامعه جدید است. ولی معتقد است که تفاوتی اساسی بین سکولاریسم فردی و سکولاریسم اجتماعی وجود دارد. برگر، سکولاریسم اجتماعی را کاهش توان موسسات مذهبی می داند در حالی که سکولاریسم فردی را کاهش و یا عدم عقاید و افکار مذهبی در اشخاص در نظر می گیرد و معتقد است که سکولاریسم اجتماعی در جامعه جدید اتفاق افتاده است ولی سکولاریسم فردی اتفاق نیفتاده است و افراد جوامع بشری هم چنان مذهبی هستند. وی معتقد است که سکولاریسم اجتماعی لزوماً به معنی سکولاریسم فردی نیست بلکه اتفاقاً عقاید و افکار مذهبی در اشخاص بنا به شواهد در حال افزایش است؛ به عبارت دیگر می توان گفت رابطه میان مذهب گرایی و مدرن گرایی نسبت به گذشته حاد تر و پیچیده تر شده است (یزدانی، ۱۳۸۹: ۱۱۹-۱۱۴).

سنت همیشه به عنوان مانع در مقابل تجدد عمل نمی کند، بلکه دارای عناصر قابل فعال شدن در درون خود، برای پذیرش تجدد (مدرنیته) است. مولفه هایی که به عنوان تجدد از آن یاد می شود مثل علم، عقل و دموکراسی، با سنت و به خصوص دین مغایر نیست بلکه می تواند با آن سازگار هم باشد. دریافت های گوناگون از سنت و مدرنیسم می تواند تفاسیر مختلفی را در بر داشته باشد، بنابراین آن چه که میتوان در نهایت بیان کرد این است که سنت و مدرنیسم در تقابل با هم نیستند و در جهت نفی یکدیگر عمل نمی کنند بلکه به تبع حرکت جوامع از سنتی به مدرن ما شاهد تغییر در دیدگاه ها و عقاید و آرای افراد هستیم که نمونه بارز آن را می توان در نوع نگرش به دین و دین داری مشاهده نمود. "جامعه مدرن از سنت خالی نیست ولی در این جامعه سنت به صرف سنت بودن پایدار نمی ماند، پایداری و نگاه داشت آن را باید بتوان به یاری خرد توصیه کرد و سازگاری آن را با نهادهای معقول و مدرن نشان داد" (عظیمی، ۱۳۷۱: ۷۰-۷۱). در عصر تجدد، نگاه علمی به پدیده ها باعث تغییر در نگاه سنتی و اعتقاد به مطلق اندیشی شده است. این شکل از تفکر لزوماً به معنای بی دینی نیست و می توان از آن تحت عنوان احیای حیات دینی نام برد. امروزه نقش سنت با ظهور جوامع مدرن تغییر یافته است. آن چه را که ما به عنوان بی دینی تلقی می کنیم در حقیقت تغییر در نحوه نگرش افراد به دین است. تا قبل از ظهور پدیده مدرنیسم، دین پاسخ بسیاری از سوالات بشر را می داد ولی با رشد دانش بشری موجبات شناخت و تفسیر علمی پدیده ها میسر گردید و دیگر تنها با اتکا به یک حقیقت مطلق نمی توان به درک پدیده ها پرداخت چرا که از این پس شناخت و دانش علمی به جای پذیرش مطلق و بی چون و چرا مطرح می شود. برای بیشتر مردم تصور نسبت به گذشته جهان فراسوی محل های دور و برخورداران و نسبت به جوامع محدود از نظر اجتماعی که خود به آن تعلق داشتند، عمدتاً از طریق سنت های شفاهی که در بافت های اجتماعی زندگی روزمره ساخته و بازسازی شده بود، احراز می گردید و یا با ظهور رسانه ها افراد توانستند رویدادها را تجربه کنند، به مشاهده دیگران بپردازند و به طور کلی درباره جهان ها (جهان های واقعی و تخیلی) که به آن سوی سپهر مواجهات روزمره آنها امتداد یافته بود، بیاموزند. رسانه ای شدن سنت آن را از حیاتی تازه برخوردار کرد. سنت بیش از پیش از قیود تعامل رو در رو آزاد شد و گستره ای از صفات مشخصه جدید را اختیار کرد. از آداب سازی افتاده و پایگاه های خود را در زمینه های عمل زندگی روزمره از دست داد. اما ریشه کن شدن سنت ها نتوانست راه تغذیه آنها را ببندد و بر اثر گرسنگی نابودشان کند، بلکه بر عکس راهی را

برایشان مهیا کرد که با تثبیت مجدد در بافت های تازه گسترش پیدا کرده، نوساخته شوند و به واحدهای مکانی که از قیود تعامل رودر رو فرا گذاشته بودند بیامیزند (تامپسون، ۱۳۸۹: ۲۲۱).

دیگر نمی توان ادعا کرد که یک جامعه و یک نسل دین دار هستند یا بی دین. چراکه با توجه به مقتضیات زمانی، تغییر شرایط و ظهور مدرنیسم و اندیشه علمی، نوع خاصی از نگرش به دین در جوامع دیده می شود که هر یک تفسیر خاص خود را داراست و نمی توان یک جهان بینی خاص را بر سراسر جهان حاکم کرد. فرضیه های تحقیق:

با توجه به متغیرهای موجود در خصوص گرایش دینی و روابط بین متغیرها سوالات یا فرضیه های این تحقیق به شرح ذیل بیان می گردد:

۱- به نظر می رسد بین طبقه اقتصادی- اجتماعی (درآمد خانواده، شغل والدین، تحصیلات والدین، محل سکونت) و گرایش دینی رابطه وجود دارد.

۲- به نظر می رسد بین جامعه پذیری (خانواده، گروه دوستان و همالان و محیط دانشگاه) و گرایش دینی رابطه وجود دارد

۳- به نظر می رسد بین عوامل فرهنگی (عملکرد دانشگاه، رسانه ها، اینترنت، ماهواره، مبلغین مذهبی و تفاسیر دینی) و گرایش دینی رابطه وجود دارد.

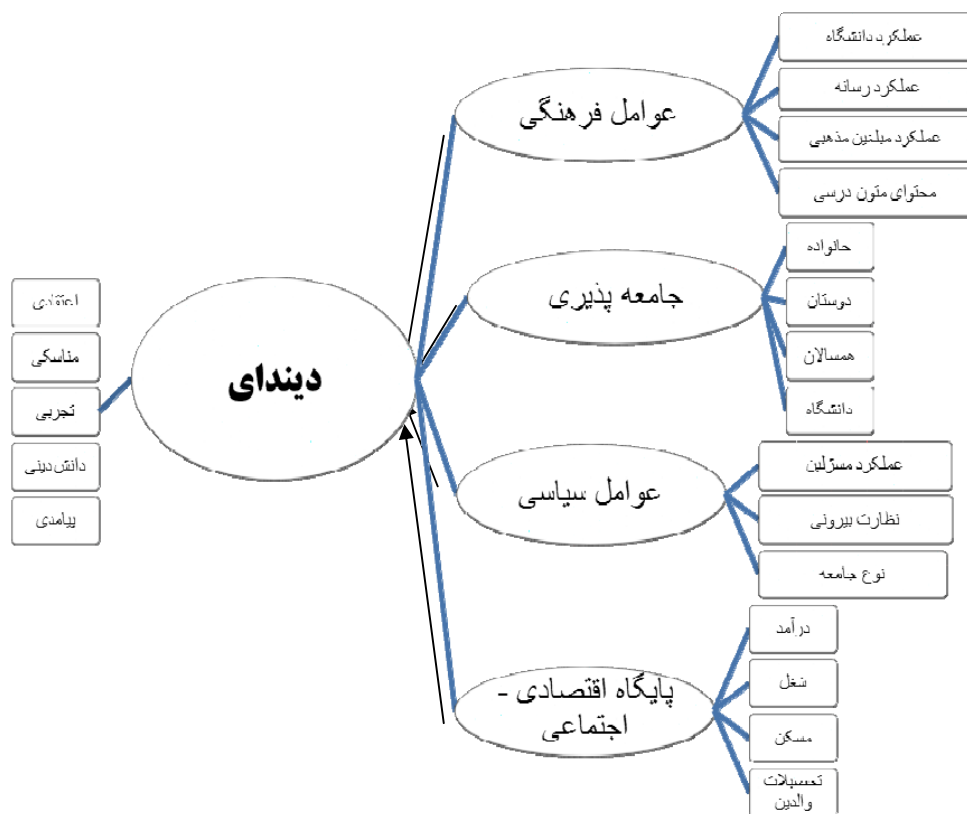
۴- به نظر می رسد بین عوامل سیاسی (عملکرد مسئولین، نظارت بیرونی و نوع جامعه) و گرایش دینی رابطه وجود دارد

۵- به نظر می رسد بین ابعاد دینداری (اعتقادی، مناسکی، تجربی، پیامدی و دانش دینی) و گرایش دینی رابطه وجود دارد

ارتباط نظریه ها و فرضیات

ردیف	نظریه پرداز	نظریه	فرضیه
۱	ماکس وبر	نظریه قشربندی	به نظر می رسد بین طبقه اقتصادی- اجتماعی و گرایش دینی رابطه وجود دارد
۲	هربرت مید تالکوت پارسونز	جامعه پذیری خرده نظام فرهنگی	به نظر می رسد بین جامعه پذیری و گرایش دینی رابطه وجود دارد
۳	هربرت مید تالکوت پارسونز پیتر برگر	جامعه پذیری خرده نظام فرهنگی نظریه شناخت	به نظر می رسد بین عوامل فرهنگی و گرایش دینی رابطه وجود دارد
۴	هربرت مید تالکوت پارسونز پیتر برگر	جامعه پذیری خرده نظام فرهنگی نظریه شناخت	به نظر می رسد بین عوامل سیاسی و گرایش دینی رابطه وجود دارد
۵	گلاک و استارک شجاعی زند	مدل سنجش میزان دینداری	به نظر می رسد بین ابعاد دینداری و گرایش دینی رابطه وجود دارد

مدل نظری :



۲. روش

جامعه آماری مورد بررسی در این تحقیق دانشجویان دختر شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی می باشند که تعداد دانشجویان دختر در سال تحصیلی ۱۳۹۰ با توجه به آمار ارائه شده واحد آموزش ۱۹۸۰ دانشجوی اعلام گردیده است. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه محاسبه گردید که تعداد حجم نمونه برابر با ۳۲۲ می باشد. پژوهش پیمایشی یکی از روشهای رایج به شمار می رود که عبارت است از اجرای پرسشنامه ها روی نمونه ای از پاسخگوانی که از میان جمعیتی انتخاب می شوند. برای بررسی فرضیه ها و سوالات مطرح شده در این پژوهش از تکنیک پیمایش استفاده شد که ابتدا پرسش نامه ای با تعداد ۵۵ سوال در اختیار ۵۰ نفر از دانشجویان قرار گرفت و سپس اطلاعات بدست آمده مورد آزمون و تحلیل واقع گردید و سوالاتی که همبستگی پایینی با کل آزمون داشتند و وزن پایین آنها از طریق تحلیل عوامل نیز تایید شد از مجموع سوالات حذف گردید و پرسشنامه اصلاح شده با ۵۰ سوال با پایایی برابر با ۰,۸۴۱ در اختیار پاسخگویان قرار گرفت. به منظور سنجش عوامل مؤثر در گرایش دینی دانشجویان دختر، در این پژوهش به کمک تکنیک پرسشنامه، اطلاعات مورد نظر گردآوری شده و پس از بررسی و بازبینی با استفاده از نرم افزار spss تجزیه و تحلیل گردیده اند. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روشهای مختلف آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در مرحله توصیف داده ها، جامعه مورد مطالعه با توجه به متغیرهای مورد نظر توصیف شده و تصویری از وضعیت موجود ارائه گردیده است. در بخش آمار استنباطی نیز از جداول ضریب

همبستگی پیرسون و رگرسیون به تناسب داده استفاده گردیده است. برای سنجش اعتبار پرسشنامه نیز، پرسشنامه تهیه شده به تعدادی از اساتید خبره و برگزیده جامعه‌شناسی داده شد و وفاق آن‌ها در مورد شاخص‌ها، دلیل روشنی بر اعتبار پرسشنامه طراحی شده است. همچنین به دلیل اینکه پرسشنامه این پژوهش از داخل نظریه‌های مطرح، چهارچوب نظری و مدل تحلیلی استخراج شده است دارای اعتبار درونی است.

۳. یافته‌ها

قبل از تحلیل داده‌ها، جهت شناخت بیشتر جامعه مورد مطالعه به توصیف و یزگی‌های فردی آزمودنی‌ها، همچنین متغیرهایی چون عوامل جامعه‌پذیری، پایگاه اقتصادی-اجتماعی (درآمد، تحصیلات، شغل)، عوامل فرهنگی، عوامل سیاسی و ابعاد پنج‌گانه دینداری با استفاده از آمار توصیفی مانند جداول یک بعدی توزیع فراوانی، درصد و درصد تراکمی و نمودارهای مربوطه پرداختیم که به طور خلاصه عبارتند از:

سن:

- ۳۸٪ پاسخگویان بین سن ۲۰ تا ۲۲ سال، ۲۶٪ بین سن ۲۳ تا ۲۵ سال، ۱۶٪ بین سن ۲۶ تا ۲۸ سال و ۱۸٪ بین سن ۲۹ تا ۳۰ سال قرار دارند.

محل سکونت:

- ۸۴٪ پاسخگویان در تهران، ۱۵٪ در شهرستان و ۹٪ نیز در روستا سکونت دارند. البته با توجه به این که پرسشنامه‌ها در تهران تکمیل شده لازم به ذکر است که دانشجویان محل سکونت خود را در شهر غیر از محل تحصیل آورده‌اند.

مدرک تحصیلی پدر:

- ۶/۹٪ بی‌سواد، ۲۶/۵٪ دارای مدرک تحصیلی سیکل، ۷۸٪ دارای تحصیلات دیپلم و ۹۵/۵٪ دارای مدرک تحصیلی لیسانس می‌باشند.

مدرک تحصیلی مادر:

- ۲/۷٪ بی‌سواد، ۱۲/۷٪ دارای مدرک تحصیلی سیکل، ۶۹/۹٪ دارای تحصیلات دیپلم و ۹۴٪ دارای مدرک تحصیلی لیسانس هستند.

شغل پدر:

- ۲/۷٪ بیکار، ۳/۹٪ کارگر، ۱۹٪ کارمند، ۸/۴٪ نظامی، ۵/۱٪ فرهنگی، ۱۹/۶٪ بازنشسته، ۳۵/۲٪ از آنان دارای مشاغل آزاد و ۶٪ نیز در سایر مشاغل فعالیت دارند.

شغل مادر:

- ۸۰/۱٪ خانه‌دار، ۰/۳٪ کارگر، ۳/۳٪ کارمند، ۷/۲٪ نظامی، ۳/۶٪ فرهنگی، ۲/۷٪ بازنشسته، ۲/۷٪ از آنان نیز در مشاغل آزاد فعالیت دارند.

تعداد خانوار:

- ۱۸٪ خانواده‌های کمتر از سه نفر اعضا، ۳۷٪ در خانواده چهار نفره، ۳۸٪ در خانواده‌هایی بین پنج تا هفت نفره و ۵٪ افراد نیز خانواده‌های بیش از هشت نفر دارند.

درآمد:

- آمار ارائه شده توسط پاسخگویان نشان می دهد که ۱۹/۶٪ در خانواده های زندگی می کنند که درآمد ماهیانه آنها کمتر از پانصد هزار تومان می باشد. ۳۷/۳٪ درآمدی بین پانصد هزارتومان تا هفتصد هزارتومان دارند و ۲۸/۹٪ درآمدشان بین هفتصد تا یک میلیون توان است و ۱۴/۲٪ درآمدی بیش از یک میلیون تومان دارند. مالکیت منزل مسکونی :

- آمار ارائه شده توسط پاسخگویان در خصوص مالکیت منزل مسکونی نیز نشان می دهد، ۸۱/۶٪ دارای منزل مسکونی شخصی، ۱۵/۷٪ منزل مسکونی استیجاری دارند و ۱/۸٪ از آنان نیز در منازل سازمانی زندگی می کنند
- فرضیه شماره ۱: به نظر می رسد بین جامعه پذیر یوگرایش دینی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۱ : نتیجه آزمون همبستگی پیرسون

ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معناداری	مجذور ضریب همبستگی
۰/۷۲۱	۳۳۲	۰/۰۰۰۱	۰/۵۱۹۸۴۱

مطابق اطلاعات جدول فوق با ضریب همبستگی ۰/۷۲۱ و سطح اطمینان ۹۹٪ رابطه معناداری بین مذهبی بودن خانواده و دوستان و گرایش دینی وجود دارد. همچنین ضریب تعیین ۵۲٪ نشان دهنده اینست که ۵۲٪ پراکندگی متغیر گرایش دینی ناشی از متغیر مذهبی بودن خانواده و دوستان است.

- فرضیه شماره ۲: به نظر می رسد بین طبقه اجتماعی- اقتصادی و گرایش دینی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۲ : نتیجه آزمون همبستگی پیرسون

بایگانه اقتصادی- اجتماعی

ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معناداری	مجذور ضریب همبستگی
- ۰/۰۱۵	۳۳۲	۰/۷۸۹	۰/۰۰۰۲۲۵

مطابق اطلاعات جدول فوق با ضریب همبستگی ۰/۰۱۵- و سطح معناداری ۰/۷۸۹ رابطه معنادار و معکوس بین عوامل اقتصادی- اجتماعی والدین و گرایش دینی وجود دارد.

- فرضیه شماره ۳: به نظر می رسد بین عوامل فرهنگی و گرایش دینی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۳: نتیجه آزمون همبستگی پیرسون

ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معناداری	مجذور ضریب همبستگی
۰/۴۵۸	۳۳۲	۰/۰۰۰۱	۰/۲۰۹۷۶۴

مطابق اطلاعات جدول فوق با ضریب همبستگی $0/458$ و سطح اطمینان 99% رابطه معناداری بین عوامل فرهنگی و گرایش دینی وجود دارد. همچنین ضریب تعیین 21% نشان دهنده اینست که 21% پراکندگی متغیر گرایش دینی ناشی از عوامل فرهنگی است.

- فرضیه شماره ۴: به نظر می رسد بین عوامل سیاسیو گرایش دینی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۴: نتیجه آزمون همبستگی پیرسون

ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معناداری	مجذور ضریب همبستگی
$0/472$	۳۳۲	$0/0001$	$0/222784$

مطابق اطلاعات جدول فوق با ضریب همبستگی $0/472$ و سطح اطمینان 99% رابطه معناداری بین عوامل سیاسی اجتماعی و گرایش دینی وجود دارد. همچنین ضریب تعیین 22% نشان دهنده اینست که 22% پراکندگی متغیر گرایش دینی ناشی از عوامل سیاسی اجتماعی است.

ابعاد دینداری

- فرضیه شماره ۵: به نظر می رسد بین بعد اعتقادی دینداری و گرایش دینی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۵: نتیجه آزمون همبستگی پیرسون

ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معناداری	مجذور ضریب همبستگی
$0/871$	۳۳۲	$0/0001$	$0/758641$

مطابق اطلاعات جدول فوق با ضریب همبستگی $0/871$ و سطح اطمینان 99% رابطه معناداری بین بعد اعتقادی دینداری و گرایش دینی وجود دارد. همچنین ضریب تعیین 75% نشان دهنده اینست که 75% پراکندگی متغیر گرایش دینی ناشی از بعد اعتقادی دینداری است.

- فرضیه شماره ۶: به نظر می رسد بین بعد مناسکی دینداری و گرایش دینی رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۶: نتیجه آزمون همبستگی پیرسون

ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معناداری	مجذور ضریب همبستگی
$0/876$	۳۳۲	$0/0001$	$0/76736$

مطابق اطلاعات جدول فوق با ضریب همبستگی $0/876$ و سطح اطمینان 99% رابطه معناداری بین بعد مناسکی دینداری و گرایش دینی وجود دارد. همچنین ضریب تعیین 76% نشان دهنده اینست که 76% پراکندگی متغیر گرایش دینی ناشی از بعد مناسکی دینداری است.

تحلیل رگرسیون:

به نظر می‌رسد بین عوامل جامعه‌پذیری، عوامل فرهنگی، عوامل سیاسی، طبقه اقتصادی و اجتماعی، بعد اعتقادی دینداری، بعد مناسکی دینداری، بعد عاطفی دینداری، بعد پیامدی دینداری، دانش دینی و گرایش دینی رابطه وجود دارد. برای بررسی این فرضیه از روش تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده می‌شود، بدین ترتیب که با وارد کردن یکباره همه متغیرهای پیشین در معادله رگرسیون و ضمن بررسی پیشفرض‌ها، معادله پیشبینی گرایش دینی توسط مؤلفه‌های فوق به دست می‌آید.

جدول شماره ۷ خلاصه مدل برای پیشبینی متغیرگرایش دینی توسط متغیرهای جامعه‌پذیری، عوامل فرهنگی، عوامل سیاسی، طبقه اقتصادی و اجتماعی، بعد اعتقادی دینداری، بعد مناسکی دینداری، بعد عاطفی دینداری، بعد پیامدی دینداری و دانش دینی را نمایش می‌دهد.

جدول شماره ۷ خلاصه مدل برای پیشبینی متغیر گرایش دینی

دوربین واتسون	معناداری تغییر	درجه آزادی ۲	درجه آزادی ۱	تغییر F	متغیر مجذور		جدور	
					ضریب همبستگی	ضریب همبستگی تنظیم شده	مجدور ضریب همبستگی	ضریب همبستگی
۱,۸۷۹	۰,۰۰۱	۳۲۰	۱۰	۹۶۲۸,۹۲۷	۰,۹۹۷	۰,۹۹۷	۰,۹۹۷	۰,۹۹۸

ضریب تعیین:

مطابق اطلاعات جدول شماره ۱ مجذور ضریب همبستگی (۰,۹۹۷) که ضریب تعیین ۹۹,۷٪ را به دست می‌دهد نشان می‌دهد که ۹۹,۷٪ پراکندگی متغیر ملاک گرایش دینی ناشی از متغیرهای پیش بین عوامل جامعه‌پذیری، عوامل فرهنگی، عوامل سیاسی، طبقه اقتصادی و اجتماعی، بعد اعتقادی دینداری، بعد مناسکی دینداری، بعد عاطفی دینداری، بعد پیامدی دینداری، دانش دینی می‌باشد.

پیشفرض عدم وجود خود-همبستگی (استقلال خطاها):

مطابق اطلاعات جدول شماره ۷ نتیجه آزمون دوربین-واتسون (۱,۸۷۹) که نزدیک به آماره معیار ۲ است، پیشفرض عدم وجود خود-همبستگی (استقلال خطاها) برای انجام تحلیل رگرسیون را تأیید می‌کند.

اعتبارسنجی متقابل:

مطابق اطلاعات جدول شماره ۷ اختلاف مجذور ضریب همبستگی تنظیم شده با مجذور ضریب همبستگی $0,997 - 0,001 = 0,998$ که معادل ۰,۱٪ می‌باشد اعتبار بسیار خوب مدل رگرسیون و قابلیت تعمیم آن به جامعه را نشان می‌دهد، بدین معنی که اگر به جای نمونه ۳۳۲ نفری از کل جامعه آزمون به عمل آید، حداکثر تقلیل ضریب تعیین ۰,۱٪ خواهد بود.

معناداری مجذور ضریب همبستگی در صورت افزوده شدن سایر متغیرهای پیش بین به معادله رگرسیون:

مطابق اطلاعات جدول شماره ۷ نسبت F تغییر محاسبه شده که با سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار است، معناداری تغییرات مجذور ضریب همبستگی با اضافه شدن سایر متغیرهای پیش بین به معادله را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۸ نتیجه آزمون تحلیل واریانس برای تعیین معناداری مدل رگرسیون را نشان می دهد.

مدل	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	نسبت	سطح معناداری
رگرسیون	۱۱۵۰۱۴,۹۹۵	۱۰	۱۵۰۱,۵۰۰	۹۶۲۸,۹۲۷	۰,۰۰۰۱
مانده	۳۸۲,۲۳۲	۳۲	۱,۱۹۴		
کل	۱۱۵۳۹۷,۲۲۷	۳۲۲			

مطابق اطلاعات جدول شماره ۸ با اطمینان ۹۹٪ مدل رگرسیون برای پیشبینی متغیر گرایش دینی توسط متغیرهای عوامل جامعه پذیری، طبقه اجتماعی و اقتصادی، عوامل فرهنگی، عوامل سیاسی، بعد اعتقادی دینداری، بعد مناسکی دینداری، بعد عاطفی دینداری، بعد پیامدی دینداری و دانش دینی معنادار می باشد.

جدول شماره ۹ ضرایب مدل رگرسیون را نشان می دهد.

همخطی		ضرایب استاندارد نشده			مدل	
VIF	خطای مجاز	سطح معناداری	t	B		
		۰,۰۰۱	۳,۴۹۲	۰,۴۳۰	۱,۵۰۱	ضریب ثابت
۳,۳۰۹	۰,۳۰۲	۰,۰۰۰۱	۳۱,۵۰۹	۰,۳۶	۱,۱۲۴	بعد مناسکی
۳,۶۸۸	۰,۲۷۱	۰,۰۰۰۱	۴۴,۵۸۸	۰,۲۲	۱,۰۰۱	بعد اعتقادی
۳,۱۵۲	۰,۳۱۷	۰,۰۰۰۱	۳۵,۹۷۸	۰,۲۹	۱,۰۴۹	بعد عاطفی
۱,۹۰۸	۰,۵۲۴	۰,۰۰۰۱	۴۱,۳۴۷	۰,۲۴	۰,۹۹۰	بعد پیامدی
۱,۲۵۵	۰,۷۹۷	۰,۰۰۰۱	۳۵,۳۷۶	۰,۲۸	۰,۹۹۴	دانش دینی
۱,۲۴۶	۰,۸۰۲	۰,۰۰۰۱	۴۰,۰۵۳	۰,۲۵	۱,۰۱۴	عوامل سیاسی
۱,۱۹۸	۰,۸۳۵	۰,۰۰۰۱	۴۱,۳۲۷	۰,۲۵	۱,۰۵۱	عوامل فرهنگی
۱,۹۱۱	۰,۵۲۳	۰,۰۰۰۱	۰,۰۴۴	۰,۴۴	۱,۱۳۹	عوامل جامعه پذیری
۱,۱۳۷	۰,۸۷۹	۰,۰۰۰۴	۰,۰۶۷	۰,۶۷	-۰,۱۹۶	طبقه اقتصادی - اجتماعی

مطابق اطلاعات جدول ۹ ضریب ثابت معادله رگرسیون (۱,۵۰۱) با اطمینان ۹۹٪ معنی دار می باشد.

ضریب متغیر بعد مناسکی دینداری (۱,۱۲۴) با اطمینان ۹۹٪ معنی دار می باشد.

ضریب متغیر بعد اعتقاد دینداری (۱,۰۰۱) با اطمینان ۹۹٪ معنی دار می باشد.

ضریب متغیر بعد عاطفی دینداری (۱,۰۴۹) با اطمینان ۹۹٪ معنی دار می باشد.

ضریب متغیر دانش دینی (۰,۹۹۴) با اطمینان ۹۹٪ معنی دار می باشد.

ضریب متغیر بعد پیامدی دینداری (۰,۹۹۰) با اطمینان ۹۹٪ معنی دار می باشد.

ضریب متغیر عوامل سیاسی (۱,۰۱۴) با اطمینان ۹۹٪ معنی دار می باشد.

ضریب متغیر عوامل فرهنگی (۱,۰۵۱) با اطمینان ۹۹٪ معنی دار می باشد.

ضریب متغیر عوامل اجتماعی (۱,۱۳۹) با اطمینان ۹۹٪ معنی دار می باشد.

ضریب متغیر طبقه اقتصادی (۰,۱۹۶-) با اطمینان ۹۹٪ معنی دار می‌باشد.

لذا فرض صفر رد شده و رابطه معنادار و مثبت بین گرایش دینی با عوامل جامعه پذیری، عوامل فرهنگی، عوامل سیاسی، بعد اعتقادی دینداری، بعد مناسکی دینداری، بعد عاطفی دینداری، بعد پیامدی دینداری، دانش دینی وجود دارد. طبقه اجتماعی و اقتصادی با عوامل فوق رابطه معنادار و معکوس دارد.

۴. بحث

با توجه به تلاش‌های صورت گرفته در سنجش واکاوی ادبیات پژوهش و ارجاع به پژوهش‌های تجربی و نظری که به صورت مستقیم و غیر مستقیم مرتبط با موضوع پژوهش می‌باشد، ملاحظه گردید که در اکثر مطالعات انجام شده، تنها به بررسی یک یا چند مورد از عوامل موثر در گرایش دینی جوانان پرداخته شده است و سایر موارد، نادیده انگاشته شده است. و از آنجایی که دین، پدیده‌ای چند بعدی است لذا باید عوامل بیشتری مد نظر قرار گیرد. همچنین ابعاد مختلف دینداری با الهام از سنجه‌های غربی ملاک نظر است و برای تبدیل سنجه‌های دینداری، هریک از پژوهشگران با توجه به خط مشی فکری خود سوالات مرتبط با سنجش این ابعاد را مطرح نموده‌اند که شاید از دید سایر پژوهشگران موارد دیگری نیز، مد نظر باشد. به طور کلی پژوهش‌های مرتبط با دین داری در اکثر موارد به بعد دینداری مناسکی یا عمل دینی توجه نموده‌اند و بعد اعتقادی یا بنیادهای دینی کمتر مورد بررسی و کنکاش واقع گردیده است. دینداری پدیده‌ای است که از گذشته‌های دور وجود داشته و در حال حاضر نیز در تمام نقاط جهان دیده می‌شود، آنچه مسلم است، تغییر در نگرش و دیدگاه افراد نسبت به دین است که در طول زمان با تغییرات عمده‌ای مواجه گشته است. بنابراین در این پژوهش سعی شده است تا با بهره‌گیری از تجربیات پژوهشی انجام گرفته در این زمینه با دیدگاهی تلفیقی به مقوله دین و دینداری پرداخته شود. ابتدا، طبقه اقتصادی- اجتماعی فرد مورد بررسی قرار می‌گیرد. در کنار آن سایر عوامل موثر خانوادگی، فرهنگی و سیاسی سنجیده می‌شود و در نهایت تفاوت تغییر نگرش به دین سنتی و مدرن ملاک نظر واقع می‌گردد. و با نگاهی تلفیقی گرایش دینی جوانان مورد بررسی قرار می‌گیرد. البته لازم به ذکر است که سنجه‌های مطرح شده برای سنجش دینداری افراد به تنهایی نمی‌تواند ملاک سنجش باشد ولی در این پژوهش تلاش شده تا با تلفیق، بعد اعتقادی و مناسکی، سایر موارد نیز ذکر گردد. اگر بخواهیم وجوه تشابه و تفاوت پژوهش‌های صورت گرفته با این پژوهش را برشماریم می‌توان در وجوه تشابه به این نکته اشاره نمود که استفاده از معرف‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین به ابعاد متفاوت دینداری نیز توجه شده است. ولی نقطه تفاوت این پژوهش با سایر موارد دید تلفیقی بین عوامل موثر در دینداری و ابعاد مختلف دینداری است که ضمن بررسی این موارد به تغییر روند دینداری و سیر تحول آن از جامعه سنتی به جامعه مدرن نیز توجه شده است.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که؛ جامعه پذیری، یکی از علل تاثیر گذار بر میزان گرایش دینی دانشجویان است و متغیر مستقل خانواده و دوستان ۵۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی گرایش دینی را تبیین می‌کند. عوامل سیاسی نیز شامل نقش دولت، نوع جامعه و نظارت بیرونی است که ۲۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی گرایش دینی را تبیین می‌کند. عوامل فرهنگی نیز اشاره به نقش رسانه‌های گروهی، دانشگاه، محتوای کتب درسی و نقش روحانیون و بلغین مذهبی دارد که این موارد نیز ۲۱ درصد در تبیین گرایش دینی نقش دارند. پایگاه اقتصادی- اجتماعی، در بعد اقتصادی شامل درآمد خانواده و در بعد اجتماعی با در نظر گرفتن شغل و تحصیلات والدین مورد بررسی قرار گرفت که نتایج بدست آمده، نشان می‌دهد رابطه معنادار و معکوس بین این عوامل و گرایش دینی جوانان وجود دارد. همچنین در خصوص بررسی ابعاد دینداری در بین جوانان نیز ما شاهد رابطه معنی داری بین ابعاد دینداری و گرایش دینی هستیم که

نشان می دهد ۷۵ درصد گرایش دینی در بعد اعتقادی قابل تبیین است. ۷۶ درصد گرایش دینی جوانان در بعد مناسکی قابل تبیین است و در بعد عاطفی ۶۹ درصد و در بعد پیامدی نیز ۵۷ درصد گرایش دینی قابل تبیین است و کمترین میزان با ۲۶ درصد مربوط به دانش دینی است که نشان می دهد، دانش دینی جوانان در مقایسه با اعتقادات آنها از درجه پایین تری برخوردار است.

تحلیل رگرسیونی نیز نشان می دهد که ۹۹/۷٪ پراکندگی متغیر ملاک گرایش دینی ناشی از متغیرهای پیش بین عوامل جامعه پذیری، عوامل فرهنگی، عوامل سیاسی، طبقه اقتصادی و اجتماعی، بعد اعتقادی دینداری، بعد مناسکی دینداری، بعد عاطفی دینداری، بعد پیامدی دینداری و دانش دینی می باشد. نتایج ما در این تحقیق نشان می دهد با جوانانی روبرو هستیم که بیش از پیش سکولار هستند و باید بدانیم که سکولار به معنای ضد دین (غیر دینی نیست) بلکه خیلی از سکولارها مومن و دینی هستند. یعنی از لحاظ سنتی در حال گذار به سوی جامعه مدرن هستند. جوانان با تنوع دینی و تکثر فهم دینی روبرو هستند که برای درک و فهم دین به نهادهای دینی، روحانیت، روشنفکران دینی، ادبیات غیر دینی رجوع می کنند. باید توجه کرد که بین ضد دینداری و غیر دینداری تفاوت وجود دارد. در دینداری عوام، جوانان به یکسری دگم های دینی اعتقاد دارند بدون توجه، تکالیف دینی را انجام می دهند و در مراسم و شعائر دینی مانند عاشورا شرکت می کنند. دینداری الهیاتی، فقهی و شریعتمداری نوع دیگری از دینداری است که در این نوع دینداری، دین و شریعت مبنا است یعنی اگر در تضادهایی بین احکام دینی و پدیده های اجتماعی مواجه شوند به نفع شریعت و احکام دینی کنار می کشند. در این نوع دینداری دو نوع گرایش وجود دارد جدایی دین از سیاست که در این نوع دینداری دین را امری شخصی و فردی و فارغ از مسائل اجتماعی می پندارند. جدایی دین از حکومت نوع دیگری از دینداری است که به دین به عنوان یک امر فردی نگاه می کند و مهم نگاه فرد به دین است این نوع دینداری اعتقاد دارد که دین نباید از اجتماع جدا باشد ولی نباید دین منبع و مشروعیت حکومت باشد.

بنابر این یافته ها می توان گفت، امروزه ما شاهد تغییرات بسیار وسیع در خصوص اعتقادات دینی افراد هستیم، شاید یکی از دلایل مهمی که باعث تغییرات در نوع گرایش دینی افراد شده، پدیده مدرنیته و ورود جوامع از سنتی به مدرن باشد. یکی از دغدغه های جهان معاصر در خصوص دین و دین داری این است که آیا مدرن شدن مانعی بر سر راه دین است؟ و یا این که می توان مدرنیته را به معنای بی دینی تلقی کرد؟ آن چه را که ما به عنوان بی دینی تلقی می کنیم در حقیقت تغییر در نحوه نگرش افراد به دین است. تا قبل از ظهور پدیده مدرنیسم، دین پاسخ بسیاری از سوالات بشر را می داد ولی با رشد دانش بشری موجبات شناخت و تفسیر علمی پدیده ها میسر گردید و دیگر تنها با اتکا به یک حقیقت مطلق نمی توان به درک پدیده ها پرداخت چرا که از این پس شناخت و دانش علمی به جای پذیرش مطلق و بی چون و چرا مطرح می شود با ظهور رسانه ها افراد توانستند رویدادها را تجربه کنند، به مشاهده دیگران بپردازند و به طور کلی درباره جهان های مختلف بیاموزند. به طور کلی می توان چنین بیان کرد؛ جوان امروزه بی دین نیست بلکه نگرش وی نسبت به دین تغییر کرده است. آنچه که به زعم برخی در جامعه امروزی بی دینی جوانان محسوب می شود تنها تغییر نگرش نسل سنتی دیروز نسبت به نگرش نسل امروز است. چراکه با پیدایش عصر مدرنیته، ملاک های دینداری نیز تغییر کرده است. نکته حائز اهمیت این است که ما شاهد تغییر گرایش دینی، در بنیادهای دینی نیستیم. آمارهای بدست آمده نیز این مطلب را تایید می کند که جوان امروز به بنیادهای دینی اعتقاد کامل دارد. حتی در بعد نهادهای دینی و انجام مناسک نیز ما شاهد علاقه مندی جوانان هستیم البته این علاقه مندی بیشتر در انجام مناسک دینی به صورت انفرادی است. شاید یکی از بارزترین عواملی که باعث کاهش اعتقادات دینی جوان می گردد واکنش به مسائل سیاسی است و به نوعی

اعتراض به دولت، نوع جامعه و نظارت بیرونی است که آمار بدست آمده نیز این مطلب را تایید می‌کند. و آنچه را که ما امروزه به عنوان سکولاریزم بیان می‌کنیم سکولار فردی نیست بلکه سکولار اجتماعی است.

سنت همیشه به عنوان مانع در مقابل تجدد عمل نمی‌کند، بلکه دارای عناصر قابل فعال شدن در درون خود، برای پذیرش تجدد (مدرنیته) است. مولفه‌هایی که به عنوان تجدد از آن یاد می‌شود مثل علم، عقل، دموکراسی، با سنت و به خصوص دین مغایر نیست بلکه می‌تواند با آن سازگار هم باشد. دریافت‌های گوناگون از سنت و مدرنیسم می‌تواند تفاسیر مختلفی را در بر داشته باشد. بنابراین آن چه که میتوان در نهایت بیان کرد این است که سنت و مدرنیسم در تقابل با هم نیستند و در جهت نفی یکدیگر عمل نمی‌کنند بلکه به تبع حرکت جوامع از سنتی به مدرن ما شاهد تغییر در دیدگاه‌ها و عقاید و آرای افراد هستیم که نمونه بارز آن را می‌توان در نوع نگرش به دین و دین‌داری مشاهده نمود. سنت و مدرنیسم در تقابل باهم نیستند و مدرنیسم به معنای بی‌دینی نیست. بلکه با گذر جوامع از سنتی به مدرن ما شاهد تغییراتی در ابعاد مختلف دین‌داری و تغییر نگاه به پدیده دین می‌باشیم. در عصر تجدد نگاه علمی به پدیده‌ها باعث تغییر در نگاه سنتی و اعتقاد به مطلق‌اندیشی شده است. این شکل از تفکر لزوماً به معنای بی‌دینی نیست و می‌توان از آن تحت عنوان احیای حیات دینی نام برد. امروزه نقش سنت با ظهور جوامع مدرن تغییر یافته است.

مشکل، رهبری نسل جوان، نفهمیدن زبان، منطق، احساسات ویژه و خواسته‌های واقعی آنان است. طرح شبهه از سوی جوانان را نباید بر بی‌دینی آنان حمل کرد بلکه باید با آغوش باز از پرسش‌های نسل جوان استقبال کرد. خانواده به عنوان نخستین کانون تعلیم و تربیت نقش عمده‌ای در برقراری ارتباط جوان با دین دارد و ستون اصلی دین‌مداری، در خانواده شکل می‌گیرد. دانشگاه به عنوان پل ارتباطی بین جوان و دین می‌باشد. چرا که جوانان زمانی را که در دانشگاه و فضای علمی می‌گذرانند تحت تاثیر گفتار و کردار اساتید خود قرار می‌گیرند. متأسفانه امروزه در مراکز آموزشی دو مقوله آموزش و پرورش از یکدیگر جدا شده است. در تربیت دینی جوانان باید به این اصل مهم توجه داشت که دین نیاز به تبیین و بررسی تاثیرگذاری آن در زندگی جوان دارد. از این رو پیش از آنکه بگوییم دین اسلام جامع‌ترین، کامل‌ترین و نیکوترین دین هاست باید بگوییم دین اسلام چیست و اهداف آن کدام است؟ این دین است که به باید‌ها و نباید‌های انسان جواب می‌دهد، جهان و انسان را هدف می‌داند و نقشی اساسی در زندگی مادی و معنوی انسان دارد. اگر حقیقت دین و نقش آن در زندگی و خوشبختی انسان و... به درستی تبیین گردد، فطرت دین‌گرا و خداجوی جوانان آن را به راحتی می‌پذیرد. امروزه ما شاهدیم که در مورد اطلاع‌رسانی دینی از روش‌های کلیشه‌ای و تکراری استفاده می‌شود. همین امر در بی‌علاقگی و گریز جوانان از مسائل دینی، موثر بوده است. به عبارت دیگر ما زبان گفتار با جوانان را به خوبی نمی‌دانیم به عنوان مثال، مکررگویی و ارتباط مستقیم آمرانه و دستوری باعث دل‌زدگی و دین‌گریزی جوانان می‌شود.

منابع

- برگر، پیتر و تامس لاکمن (۱۳۷۵). ساخت اجتماعی واقعیت رساله ای در جامعه شناسی شناخت. (فریبرز مجیدی، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی .
- تامپسون، جان (۱۳۸۰). رسانه ها و مدرنیته. تهران: سروش (انتشارات صدا و سیما).
- حبیب زاده خطبه سرا، رامین (۱۳۸۴). بررسی انواع دینداری در بین دانشجویان دانشگاه تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران .
- خراطیان خامنه، حسن (۱۳۸۳). بررسی میزان گرایش دینی دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاه تبریز. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.
- خدایار محبی، منوچهر (۱۳۴۲). بنیاد دین و جامعه شناسی. تهران: نشر زوار.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳). احساس مذهبی در عصر حاضر. (سارا شریعتی مزینانی، مترجم). مجله انجمن جامعه شناسی ایران. دوره ۵ شماره ۲.
- رابرتسون، یان (۱۳۷۰). درآمدی بر جامعه شناسی. (حسین بهروان، مترجم). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی .
- روشه، گی (۱۳۶۸). کنش اجتماعی. (هما زنجانی زاد، مترجم). دانشگاه فردوسی مشهد.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۹). نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر. (محسن ثلاثی، مترجم). تهران: انتشارات علمی.
- زیتلتن، ایروینگ ام و دیگران (۱۳۷۳). آینده بنیانگذاران جامعه شناسی. (غلامعباس توسلی، مترجم). تهران: قومس.
- ساعی ارسی، ایرج (۱۳۸۹). مهارت های نوشتاری پژوهش در علوم اجتماعی. تهران: نشر بهمن برنا .
- سراج زاده، حسین (۱۳۸۳). بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش های اجتماعی. چالش های دین و مدرنیته. تهران: طرح نو .
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۱). دین، جامعه، عرفی شدن، جستارهایی در جامعه شناسی. تهران: نشر مرکز.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۵۶). آموزش دین اسلام. حوزه علمیه قم: انتشارات اسلامی .
- عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۱). زمینه های نگرش و تحقیق تاریخی فرهنگ و جامعه مدرن. نشریه نگاه نو. شماره ۱۹.
- فروند، ژولین (۱۳۶۲). جامعه شناسی ماکس وبر. (عبدالحسین نیک گهر، مترجم). تهران: نشر پیکان .
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۷). پردازش و تحلیل داده ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی. تهران: فرهنگ صبا.
- نیک پی، امیر (۱۳۸۰). نگاهی به برخی تحولات دینی در ایران معاصر. نامه انجمن جامعه شناسی. ویژه نامه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران. شماره ۳.
- وبر، ماکس (۱۳۸۲). دین، قدرت، جامعه. (احمد تدین، مترجم). تهران: نشر هرمس .
- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷). جامعه شناسی دین. (محسن ثلاثی، مترجم). تهران: تبیان .
- هیس، ه.ر (۱۳۴۰). تاریخ مردم شناسی. (ابوالقاسم طاهری، مترجم). تهران: فرانتکلین .
- هیوز، استیوارت (۱۳۶۹). آگاهی و جامعه. (عزت اله فولادوند، مترجم). تهران .
- یوسفی اشکوری، حسن (۱۳۷۳). روش شناسی دین. مجله فرهنگ و توسعه شماره های ۱۳ و ۱۴ .
- یزدانی، عباس (۱۳۸۹). رابطه بین دین، مدرنیته، تعارض یا سازگاری. مجله الهیات تطبیقی. سال ۱ شماره ۳.
- **Bella, R.N (1976).** Beyond belief, Essays on religion in a post-traditional word, Newyork, Harper & Row

- **Funk, Richard. B. Willits. Frenk (1987)**. College Attendance and Attitude change ,A panel study ,
- **Glak, Charles & Rodney Stark(1970)**. Religion and Society intension, Chicago: Rand mc nally & company
- **Glak, Charles & Rodney Stark(1965)**. Religion and Society intension, Chicago: Rand mc nally & compani
- **Glock and Stark (1970)**. The Dimension of Religiousity: Religion and Society in Tensnio. Chicago: Rand Mc Nally
- **Pilkigton, G. W. (1976)** .Changes in religious beliefs :Wadswort
- **Robinson, John & Shaver, Phillips (1973)**. Measures of Social Pscycological attitudes, America University of Michigan
- **Roof wade clark(1965)**. Concepts and indicators of religious commitement: A critical Review in Robert
- **Walter. Tony and David G(1998)**. The religion sity of women in the Modern West ,Brithish journal of sociology.